



همکلاسی حامد عسکری
واقعا لاکچری بود

قصه
جامدادی امین

۱۴



طاهره آشیانی
و گچ‌های رنگی مدرسه‌شان

گچ‌های رنگی‌ام
کو؟

۱۴



علی رستگار از یک کره جغرافیایی
جادویی می‌گوید

من می‌تونم کاری کنم
که همه چیز عوض بشه

۱۵



علی گنجی
از پاپیروفیلیا می‌گوید

در به در
لوازم تحریر

۱۶

پنجشنبه ۲۵ شهریور ماه ۱۴۰۰ ■ شماره ۶۰۳۴

۱۳

هفتک جام جم

ویژه‌نامه آخر هفته روزنامه جام جم ■ شماره بیستم ■ ۴ صفحه

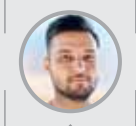
«هفتک جام جم» چهار صفحه ویژه از روزنامه جام جم است. جایی که قرار است هر آخر هفته دور هم بنشینیم و راجع به موضوعی که در زندگی روزمره درگیر آن هستیم و کمتر به آن فکر می‌کنیم، صحبت کنیم. آخر هفته‌ها با «هفتک جام جم» همراه باشید. موضوع این شماره: «لوازم تحریر»

اگر جمله زیر برایتان آشناست حداقل ۳۰ سال سن دارید

تعلیم و تعلم عبادت است

از لوازم التحریر که حرف می‌زنیم، دقیقا از چه حرف می‌زنیم؟

لوازم التحریر قدیم، نوشت افزار الان



علیرضا رافتی

روزنامه‌نگاری که
از همه مظاهر
تجمل، فقط
یک جامدادی
اوتوبوسی داشت

من اصلا صلاحیت ندارم در این پرونده خودم دست به قلم شوم. می‌پرسید چرا؟ به همین جمله قبلی نگاه کنید. ناخودآگاه برای نوشتن از عبارت «دست به قلم شدن» استفاده کردم. می‌دانید، تقصیر خودم نیست ذهنم بیمار است. یعنی ذهنم به طور پیش‌فرض فکر نمی‌کند که می‌تواند چیزی که قرار است بنویسد را تایپ کند. حتی ذهنم آنقدر پیشرفت نکرده که وقت فکر کردن با خودش بگوید یک اپلیکیشن دانلود می‌کنم که باهاش بتوانم صدایم را به نوشته تبدیل کنم و همین‌طور که پشت فرمان به سمت صفحه بندی روزنامه جام جم می‌روم، یادداشت را هم می‌خوانم و خودش می‌نویسد. ذهن من هنوز برای نوشتن از قلم در دست گرفتن استفاده می‌کند و این یعنی من هم به همان بیماری که علی گنجی می‌گوید دچارم. علی گنجی در آخر همین پرونده یک گزارش پر و پیمان نوشته از کسانی که در دنیا دیوانه کاغذ و خودکار و لوازم تحریرند. یک اسم باکلاس هم برای خودشان گذاشته‌اند روی این بیماری که اگر جایی هم قرار شد که بگویند مریضند، دست کم مریضی‌شان یک اسم آبرومند داشته باشد. من آن‌قدر درگیر این بیماری‌ام که همیشه سعی می‌کنم برای هدر نرفتن پولم که زیاد هم نیست، کتاب‌های مورد نیازم را اینترنتی بخرم. آن هم از سایتی که فقط کتاب داشته باشد، نه لوازم تحریر. برای این که اگر گذرم به کتابفروشی بیفتد، کنار یک جلد کتابی که نیاز داشتم بخرم یک بغل خودکار و کاغذ و انواع لوازم تحریر هم می‌خرم که می‌دانم قرار است هیچ وقت از آنها استفاده نکنم.

بیرون بکشد. ما قرار است در شماره لوازم تحریر هفتک جام جم، در کنار پرداختن به یک مساله اجتماعی در روزهای شروع مدارس، به یک خاطره محو خاک خورده در انباری ذهن‌مان رجوع کنیم. به روزهای نشستن پشت میزهایی که با لاک غلطگیر مرزبندی شده بودند. طبیعتا آن روزها هیچ کدام از ما برای خودکار و دفتری که اول مهر می‌خریدیم از کلمه نوشت افزار استفاده نمی‌کردیم. اگر هم استفاده می‌کردیم هم‌کلاسی‌هایمان تا یک سال دست می‌گرفتند و می‌خندیدند. شما اما بعد از خواندن این شماره هفتک جام جم به جای لوازم تحریر از کلمه نوشت افزار استفاده کنید!

بعضی از اجزای لوازم تحریر دوران مدرسه ما، چیزی بیشتر از کاربرد عادی خودشان را داشتند که در این گزارش به برخی از این کاربردهای ویژه می‌پردازیم.

اول از همه توضیحی کوتاه درباره این بدهم که چرا ما در این پرونده از اسم «لوازم التحریر» به جای «نوشت افزار» استفاده کردیم. خوب، واضح است که نوشت افزار واژه‌ای زیباتر و صحیح‌تر است و لوازم التحریر از آن کلمات خنده‌داری است که در فارسی قاجاری ساخته شده و اگر در عربی بخواهیم ترجمه‌اش کنیم، می‌شود «ملزومات آزادسازی» یا چنین چیزی. مثل صداها کلمه دیگری که با عبارات عجیب و غریب عربی ساخته شده‌اند و اگر به خود عرب‌زبان‌ها بگوییم سرسیلندر می‌سوزانند! اما دلیل استفاده از این واژه به جای واژه نوشت افزار این است که رسالت هفتک جام جم برقراری ارتباط با ته دل مخاطب است! مخاطب روزنامه را می‌خواند تا چیزی از اوضاع روزانه کشور و دنیا دستش بیاید، اما هفتک جام جم قرار است قلابش را ببندازد ته دل مخاطب و چیزی که آن‌جا بوده و سال‌ها کسی سراغش را نگرفته را

حفظ کن بچه جان!

کارشناسان حوزه آموزش زبان از همه دهه شصتی‌ها و دهه هفتادی‌ها عذرخواهی می‌کنند که عمرشان پای حفظ کردن دفتر لغت سر شد. یکی از راه‌های قطعی برای یاد نگرفتن زبان حفظ کردن معادل فارسی کلمات است. آن هم کلماتی که بدون هیچ نظمی و ترتیبی در یک دفترچه کوچک نوشته شده‌اند. معلم‌هایی که اولین روز مدرسه اصرار داشتند که دفتر لغت بخريد و بعد هم اصرار داشتند که هر جلسه از روی دفتر لغت سوال بپرسند، الان باید جوابگوی جوانانی باشند که دارند پا به سن می‌گذارند و هنوز وقتی یک خارجی می‌بینند زبان بدن را ترجیح می‌دهند.

مظاهر تجمل‌گرایی

الان به آنها خرده نگیرید. وقتی اینستاگرام را باز می‌کنید و مردمی را می‌بینید که ساعت رولکس در دست دارند و پشت پورشه نشسته‌اند و در فیلم می‌گویند داریم می‌رویم ویلای کلاردشت و... حالا بیایید مقاله بنویسید و همایش برگزار کنید که چطور باید جلوی تجمل‌گرایی نسل جوان را گرفت؟ چطور باید جلوی نمایش تجمل و فخرفرشی را گرفت؟ مسوول محترم! شما باید همان موقع که این جماعت با کوله پشتی چرخ‌دار و جامدادی چند طبقه‌شان در مدرسه فخرفرشی می‌کردند جلوی‌شان را می‌گرفتید. این‌هایی که عکس غذا استوری می‌کنند همان‌هایی‌اند که سر کلاس نارنگی می‌خورند! خودکار چند رنگ... مدادتراش رومیزی... جامدادی‌های مکانیزه و چند طبقه... همه این‌ها از مظاهر تجمل‌گرایی در دوران مدرسه بود و عامل اصلی لاکچری‌بازی در دهه‌های بعدی زندگی کودکان آن موقع و جوانان فعلی!



یافتم!



بالاخره کشف شد. اشک در چشمان دانش آموزانی که دفترهایشان را پای پاک کردن خودکار با پاک‌کن دو رنگ داده بودند حلقه بست. بالاخره چیزی اختراع شد که می‌توانست خودکار را پاک کند. البته پاک کردنش چیزی بود شبیه به پاک کردن پیام، در پیام‌رسان واتس‌آپ. پاک می‌شد اما به همه می‌گفت این‌جا یک چیزی بوده که پاک شده است. لاک غلطگیر اول واقعا با سر و شکل لاک ناخن به بازار آمد اما بعد شکل خودکاری‌اش هم آمد و تبدیل شد به وسیله‌ای برای پاک کردن جوهر خودکار و البته مرزبندی میز دو نفره.

چرافیلی؟

چرا باید اسم دفتر نقاشی کودکان را بگذاری فیلی؟ سازنده محترم! ایده‌پرداز محترم! مسوول محترم! اگر این مطلب را می‌خوانید با روزنامه تماس بگیرید و پاسخگو باشید. ما هم قول می‌دهیم جواب‌تان را هفته بعد برای همه متولدان دهه‌های ۶۰ و ۷۰ منتشر کنیم. چرا باید اسم دفتر را بگذارید فیلی و طرح جلد ثابتش هم یک فیل باشد؟ دفتر فیلی اولین چیزی بود که معلم اول دبستان از بچه‌ها می‌خواست بخرند. این که چرا معلم‌ها هم اصرار داشتند که دفتر حتما فیلی باشد هم از آن سوال‌های بی‌جواب دهه شصتی‌ها و هفتادی‌هاست.



یک حيله کثيف!

نمی‌دانم از فرضیه دهان به دهان از طرف خود بچه‌ها ساخته شده بود یا سیاست کارخانه سازنده این نوع پاک‌کن بود برای فروش بیشتر. یک جور پاک‌کن تولید می‌شد که نصفش قرمز بود و نصفش آبی. از آن جایی هم که دانش آموزان همیشه به دنبال راهی برای پاک کردن خودکار بودند، شایعه شده بود که طرف آبی این پاک‌کن قابلیت این را دارد که جوهر خودکار را از روی کاغذ پاک کند. چه پول‌هایی که پای این پاک‌کن به هدر رفت و چه دفترهایی که در سوادی پاک کردن جوهر خودکارش با این پاک‌کن، چروک شد و پاره شد و جوهر خودکار پاک نشد.



سلاح سبک



اگر در قید حیات است خدا برکت بدهد به عمرش. اگر هم از دنیا رفته ان‌شاء... نور به قبرش بیارد. موسس شرکت محترم بیک را می‌گویم! خودکار بیک بهترین خودکار بود. نه برای نوشتن. برای این که مغزی‌اش را دریاواری و هر چیز گرد و سفت و سبکی که توی لوله‌اش جا می‌شد را داخلش بگذاری و از یک سر لوله فوت کنی. دقت و قدرت اصابت گلوله به خیلی چیزها بستگی داشت. بعضی‌ها گلوله‌شان را از شاه‌دانه انتخاب می‌کردند و بعضی دیگر یک تکه کاغذ را کروی می‌کردند. بعضی حرفه‌ای‌ترها اما برای این که وقتی گلوله به گردن هدف اصابت می‌کند، همان‌جا بچسبید و کاری‌تر باشد، کاغذ را خیس می‌کردند و در اسلحه قرار می‌دادند.